



یاران نزدیک الله وردی خان؛ نمونه‌ای از شبکه نیروهای وفادار و پشتیبان در ایران عصر صفوی

هیروتاکه مائدا^۱ / ترجمه مسعود ولی عرب^۲

چکیده

مطالعات اندکی به بررسی تاریخچه خاندان‌های ویژه و نخبه صفویان (به خصوص در میان اقشار مختلف غلامان) در دوره پادشاهی شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ ه.ق / ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م) و پس از آن پرداخته‌اند. به منظور پر نمودن این خلأ تحقیقاتی، مطالعه حاضر به منظور بررسی اقدامات الله وردی خان، یکی از مشهورترین سرداران قفقازی در آن زمان، و همچنین شبکه‌های نیروهای وفادار و یاران نزدیک وی، از اطلاعات جدید منتشر شده در جلد سوم کتاب افضل التواریخ بهره جسته است. این مطالعه به ترتیب به بررسی حیات الله وردی خان، میکایل بیگ، بیگ وردی بیگ گرجی، تیمور بیگ اوغلو، ابوالقاسم بیگ تبریزی و مظفر بیگ کشور اوغلو پرداخته است. این افراد تأثیر شگرف ریشه‌های اجتماعی و تاریخی خاندان خویش و نیز اهمیت انعطاف‌پذیری اجتماعی در مدیریت وظایف خود را به نمایش گذاشته‌اند. ممکن است این طور به نظر برسد که این دو نکته در ابتدا با یکدیگر در تضاد می‌باشند، اما نکته اول ثبات و تعادل قدرت را به فرآیند تشکیل یک طبقه درباری جدید (دستور حکومتی جدید) افزوده، در حالی که نکته دوم به بهبود نهادهای حاکمیتی در حال تحول (موقتی) می‌پردازد. این تغییرات و همچنین انسجام قدرت در این خاندان نخبه را می‌توان به عنوان یکی از نکات برجسته در حیات سیاسی ایران در قرن هفدهم میلادی قلمداد نمود.

واژه‌های کلیدی: ایران در عصر صفویه، قفقازی‌ها، گرجیان، یاران نزدیک، غلام، تاجیک، ترک، الله وردی خان، شبکه نیروهای وفادار و پشتیبان.



۱. پژوهشکده زبان‌های جهانی، دانشگاه اوساکا (اوزاکا).

۲. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام و پژوهشگر تاریخ محلی Masoudvaliarab1397@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در مورد چگونگی حکومتداری و سیاست‌های سلسله صفویان نوشته شده‌اند، اما با این حال در مورد ساختار واقعی و اهمیت نخبگان سیاسی در آن زمان مطالب زیادی در دسترس نمی‌باشد. به طور خاص می‌توان بیان نمود که در مورد فعالیت‌های «عناصر قفقازی» نوین، ریشه‌های آن‌ها و وظایف و روابط وادارانه - حمایتی آن‌ها به طور کامل به فراموشی سپرده شده است.^۱ یکی از دلایل اصلی برای نبود تحقیق در این زمینه را شاید بتوان به محدود بودن تعداد منابع اصلی به زبان فارسی دانست. اطلاعات و دانش موجود در مورد زندگی و فعالیت‌های شخصیت‌های سیاسی در زمان حکومت شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ ه.ق / ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م) به طور عمده بر روی اطلاعاتی استوار می‌باشد که از وقایع نامه‌های نوشته شده توسط اسکندر بیگ ترکمان (نویسنده کتاب تاریخ عالم آرای عباسی) و نیز یادداشت‌های نوشته شده توسط برخی از مسافران خارجی نشئت گرفته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به وقایع نامه نوشته شده توسط یکی از تاریخ نویسان درباری (منشی الممالک)، یعنی کتاب «تاریخ عالم آرای عباسی» که تقریباً همه وقایع سیاسی را در دوران حکومت شاه عباس اول پوشش داده است.

با این حال برای یک تاریخ نگار دولتی تقریباً غیر ممکن است که بتواند به بررسی تمامی جنبه‌های وضعیت سیاسی و اجتماعی سلسله صفویه آن هم در زمان چنین تغییرات بنیادینی بپردازد. متأسفانه دیگر وقایع نگارهای فارسی مانند «کتاب تاریخ عباسی» (خاطرات ملأ منجم) و نیز کتاب «روضه الصفویه» دربرگیرنده جزئیات کافی نبوده و یا اینکه شامل تمامی رویدادها درباری زمان مورد نظر نمی‌باشد. همچنین لازم به ذکر است که تکیه نمودن به منابع اروپایی نیز دارای خطراتی می‌باشد، چرا که اینگونه منابع بر اساس برداشت‌های شخصی که در طول یک دوره زمانی اقامت خاص جمع آوری شده‌اند و اغلب آغشته به تعصبات فردی نیز می‌باشند، نوشته شده‌اند.

علیرغم این موضوع، یک وقایع نگار فارسی جدید یافت شده است که همه رویدادهای صورت گرفته را در تمامی دوران سلطنت شاه با جزئیات کامل بیان می‌دارد. چارلز ملویل نسخه سوم "گمشده" کتاب افضل التوازیخ را در کتابخانه دانشکده کریست در دانشگاه کمبریج (بعد از AT سوم) پیدا نموده است.^۲ نویسنده این مطلب به این شانس دست یافته است تا از نزدیک بررسی دقیقی از این کتاب داشته باشد که می‌توان آن را به عنوان یک منبع تاریخی مهم برای تحقیق درباره عصر صفویه در نظر گرفت.^۳

۱. کتابی که به تازگی توسط بابایی و همکاران وی نوشته شده است به طور خاص به این پدیده پرداخته است؛ آن‌ها به طور جزئی نهاد غلامان خواجه‌ی شریفه را بررسی نموده‌اند. همچنین برای مطالعه بیشتر در این مورد می‌توانید به مقاله ارزشمند جی. روتا و نیز دیگر نوشته‌های این نویسنده (هیروتاکه ماندا) که در قسمت کتاب شناسی آمده است، مراجعه نمایید.

۲. (افضل التوازیخ، ام. دی. ۵. ۶. دانشکده کریست، کمبریج. این اثر تاریخی قبلاً به نام کتاب خطی «عالم آرای عباسی» نوشته اسکندر بیگ ترکمان شناخته می‌شد.

۳. در اینجا از پروفیسور چارلز ملویل (دانشگاه کمبریج) برای راهنمایی‌های بی دریغ ایشان و همچنین حمایت‌های شایان ایشان در جهت دسترسی به این نسخه تاریخی مهم قدردانی می‌نمایم در اینجا از نویسنده مقاله برای در اختیار من قرار دادن این مقاله پیش از چاپ شدن آن تشکر می‌نمایم. همچنین از پروفیسور منصور صفت گل برای آگاه نمودن بنده از وجود این کتاب نفیس کمال تشکر را دارم.



نویسنده این وقایع نامه، فضل‌ی بن زین العابدین خوزانی اصفهانی عضو یکی از خانواده‌های دیوان حکومتی اهل اصفهان بوده است.^۱ وی شغل خود را به عنوان حسابدار در دربار حکومتی برادی قاراباش در سال ۱۶۰۹-۱۶۰۸ م/۱۰۱۷ ق (بعد از AT سوم اف. ۲۳۹ ای) آغاز نمود. وی سپس در سال ۱۶۱۴-۱۵ م/۱۰۲۳ ق به عنوان وزیر (حاکم) بردا منصوب گردید و بعد از نیز به مقام وزارت کاختی در شرق گرجستان (بعد از AT سوم اف. ۳۳۶ ای، ۴۱۳ بی، ۴۱۴ ای) رسید. بعد از شورش صورت گرفته در گرجستان در سال ۱۶۲۵ م/۱۰۳۴ ق و برکناری پیکار خان از حاکمیت بردا و کاختی، فضل‌ی مدتی به عنوان وزیر (حاکم) کرمان منصوب گردید (بعد از AT سوم اف. ۴۹۱ بی، ۵۳۸ ای). در زمان حکومت شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) به هند رفت و به احتمال زیاد در همانجا از دنیا رفته است.^۲

منابع وقایع نگار فارسی که معمولاً در بیان عظمت شاه نوشته می‌شدند، بیشتر بر روی توصیف پیروزی‌های بدست آمده در جنگ و اقدامات برجسته و مهم مقامات عالی رتبه تمرکز داشته‌اند. این منابع، به ندرت اطلاعاتی را در مورد اقدامات صورت گرفته توسط مقامات دارای مناصب پایین ارائه می‌دهند. با این حال، کتاب تاریخی فضل‌ی اطلاعات زیادی را به ما درباره‌ی اقدامات صورت گرفته توسط این افراد می‌دهد.^۳ توصیفات فضل‌ی در این کتاب، بخصوص درباره‌ی قفقازی‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. وی حتی برخی از کلمات و حرف‌های گرجی‌ها را نیز در این کتاب بیان نموده است و همچنین اطلاعاتی بسیار جزئی را در مورد اقدامات برخی از اهالی قفقاز که رابطه بسیار نزدیکی با دربار مرکزی صفویان داشته‌اند، بیان نموده است.

این مقاله به منظور تصریح اقدامات الله وردی خان که یکی از مشهورترین سرداران قفقازی در آن زمان می‌باشد و همچنین شبکه‌های وفاداران خانوادگی، از اطلاعات جدید یافت شده در نسخه سوم کتاب افضل التواریخ بهره جسته و نیز می‌کوشد تا این یافته‌ها را با یافته‌های دیگر منابع موجود یکپارچه نماید.^۴ بعلاوه، در این مقاله تلاش شده است تا روابط و شبکه‌های بین گروه‌ها نشان داده شده و نیز ماهیت این نخبگان سیاسی در ساختار قدرت در زمان شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ هـ.ق / ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م) را روشن سازد. چه کسانی به عنوان نماینده و سردسته غلامان خدمت می‌نموده و نهاد سیاسی و ایلاتی خود را رهبری می‌نموده؟ این سؤال هیچ وقت به صورت دقیق مورد توجه قرار نگرفته است.^۵

۱- هاندا، ۱۹۸۹، صفحات ۷۷-۹۲.

۲- مقاله جدید ملویل یک تحقیق زبانشناسی بسیار خوب و دقیق از این منبع تازه کشف شده می‌باشد. ملویل ۲۰۰۳، صفحات ۶۳-۹۶. همچنین مراجعه کنید به ملویل، ۱۹۹۸، صفحات ۲۶۵-۲۶۳؛ مایدا، ۲۰۰۴، صفحات ۲۱۳-۱۹۳ و <http://www.aa.tufts.ac.jp/book/journal/journal68.pdf>

۳- نویسنده قبلاً با استفاده از منابع فارسی و گرجی، به بحث در مورد ریشه یابی خود و برخی از زندگانی خود پرداخته است. به احتمال زیاد الله وردی خان از طایفه اوندیل‌زده گرجستان می‌باشد. یاران نزدیک وی نقش مهمی را در نحوه برخورد شاه عباس اول با قفقازی‌ها، بخصوص گرجی‌ها ایفا نموده‌اند. تألیفات قاباشویلی در مورد الله وردی خان، اطلاعات اولیه بسیار خوبی را برای تحقیق در باره این خاندان به ما می‌دهد. قاباشویلی، ۱۹۷۲، صفحات ۸۴-۶۴ و آوالیشویلی، ۱۹۳۷، صفحات ۴۲-۱۷.

۴- هاتاوی، ۱۹۹۷، درباره‌ی خاندان نخبگان عثمانی در مصر. این موضوع تا حدودی مورد بررسی قرار داده شده است (مایدا، ۱۹۹۸، صفحات، ۱۱۲-۱۰۷ و صفحات ۳۱-۲۱ به زبان ژاپنی).

۳- زندگانی الله وردی خان

الله وردی خان به عنوان مشهورترین امیر در زمان سلطنت شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ ه.ق / ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م) شناخته می‌شود. وی نقش مهمی را در متحد نمودن و تثبیت قدرت صفویان به ویژه از طریق ایجاد اتحاد در ولایات لار، بحرین و کهگیلویه که جز قدرت‌های داخلی بودند و همچنین شورشیان قزلباش و الزام آن‌ها به پیروی نمودن از قوانین سلسله صفویان ایفا نموده است. الله وردی خان که فرمانده ای بسیار لایق بوده است، تلاش فراوانی را برای مقابله با ازبک‌ها در مرزهای شرقی و در غرب با عثمانی‌ها نموده است. الله وردی خان و امام قلی خان، فرزند و جانشین وی که از ثروتمندترین زمان خود بوده‌اند، بناهای بسیاری را ایجاد نمودند که از آن میان می‌توان به احداث پل بر روی رودخانه زاینده رود اشاره نمود که از لحاظ زیبایی دارای شهرت فراوانی بوده و هنوز هم به همین نام شناخته می‌شود.^۱ در بازه‌ی زمانی تاریخ صفویه این طور بیان شده است که زمان به قدرت رسیدن الله وردی خان توأم با تغییرات شدیدی در ساختار و محتوای حکمرانی بوده است. الله وردی خان به عنوان اولین فرمانده نیروهای غلامان، یعنی قوللرآغاسی به گونه‌ای موفقیت آمیز عمل نمود که این اقدام وی نشان دهنده استقرار واقعی نیروی جدید التاسیسی از "عوامل قفقازی" در دربار صفوی بود.^۲

نام الله وردی خان برای اولین بار در منابع فارسی در هنگام ترور شاهزاده حمزه میرزا در سال (۹۹۴ ق/ ۱۵۸۶ م) ذکر شده است.^۳ الله وردی بیگ زرگر باشی، یکی از نزدیک‌ترین خدمتکاران شاهزاده، اولین فردی بود که از این واقعه آگاه گردید. متأسفانه فضلی جلد سوم وقایع نگار خود را با توضیح دادن زمان به قدرت رسیدن شاه عباس اول آغاز نموده و هیچ گونه اشاره‌ای به اوایل زندگانی الله وردی خان نکرده است. با این وجود، می‌توان نام و حضور وی را در آغازترین دوران حکومت شاه عباس تأیید نمود. وقتی که شاهی جدید وارد قزوین پایتخت صفویان می‌شد، الله وردی بیگ، غلام آخرین شاهزاده (حمزه میرزا) و داروغه ضرباب خانه (محل ضرب سکه) به همراه خواجه محمد امین اصفهانی ضربایی به منظور ضرب سکه جدیدی به نام عباسی فرستاده شدند (AT سوم اف ۴. بی). توصیف فضلی از نقش الله وردی بیگ در ترور مرشد قلی خان تقریباً شبیه به نقش اسکندر بیگ می‌باشد. شایان ذکر است که تملک سرزمین‌های کامارا و جارپادقان بعنوان زمین‌های فئودالی به همراه رتبه سلطانی به عنوان پاداش تعهد و خوش خدمتی به وی اعطا گردید (AT سوم اف اف. ۲۵ بی، ۲۶ ای، تی ای ای، صفحه ۴۰۱).

فضلی واضح‌ترین تفاسیر را درباره‌ی رویدادهای مرتبط با تشکیل نیروهای غلام بیان داشته است. در سال ۹۹۹ ق/ ۱۵۹۰-۱۵۹۱ و همزمان با سال چهارم سلطنت شاه عباس، همدان بیگ که غلام برجعلی بیگ مهماندار بود در احکام حکومتی غلامان خواجه‌ای شریفه عضویت یافت و به عنوان عضوی از همراهان (ملازم) پذیرفته شد. شاه شروع به پرورش دادن و ارتقا غلامان نمود. از آنجایی که مردم می‌دانستند که شاه به جمع آوری غلامان علاقه وافری دارد، بسیاری از پسران مردم

۱- فضلی در وقایع نامه خود اطلاعاتی را درباره ساختن این پل بیان نموده است (AT اف. اف. ۲۲۴. ای. بی و ۲۲۹. بی).

۲- سیوری، جلد اول، صفحه ۸۹۱.

۳- قاضی احمد قمی ۱۳۵۹-۱۹۸۰/۶۳-۸۵ صفحه ۸۴۲ و مایدا، ۲۰۰۱، صفحه ۱۵۵-۱۷۱.



(آدمیزادها) در احکام حکومتی برای جذب غلام شرکت می نمودند و حدود ۱۰۰۰ غلام جمع آوری گردید [...]. الله وردی سلطان که مویر الممالک و حاکم کامارا و جارپادقان بود، به بالاترین مقام یعنی قوللر آغاسی رسید و چندین غلام به وی داده شد (AT سوم اف. اف. ۴۷. ای. بی.). شاه عباس اول پس از موفقیت در سرکوب شورش های صورت گرفته توسط امیران قزلباش در داخل عراق عجم، شروع به بازسازی ساختار سپاه خود نمود. میرزا بیگ، نویسنده کتاب «روضه الصفویه» نیز در این باره توضیحات مشابهی را بیان نموده است.^۱

ما همچنین به اطلاعات جالبی در مورد نحوه انتصاب وی به حکمرانی فارس دست یافتیم. فضلای بیان می دارد که الله وردی قبلاً نیز برای تصدی این پست در سال ۱۰۰۱ ق / ۱۵۹۲-۱۵۹۳ م معرفی می گردد، در حالی که به بنیاد خان اولقادر که به شاه قول پرداخت ۵۰۰۰ هزار تومان را داده بود، اجازه داد تا یک سال دیگر نیز در این منصب باقی بماند (AT سوم اف. ۶۳ ای).^۲ شاه عباس اول که شاید می خواست این تغییر را برای او جبران نماید، وی را به سمت داروغه چی خلخال منصوب نمود. شایان ذکر است که در همان زمان، خلخال ملک تیول (ملوک الطوائف) متعلق به غلامان سابق محمدی خان توخماق استاجلو بوده که بعدها نیز به عنوان غلامان شاه منصوب شدند (AT سوم اف. ۴۶ بی).^۳ این طور به نظر می رسد که الله وردی رابطه نزدیکی با غلامان محمدی خان داشته است. یک بار وی قبل از منصوب شدنش به عنوان داروغه شهر خلخال، این غلامان را برای دستگیری شاهوردی خان قرجه داغ گسیل داشته است. چنین توصیفاتی از نحوه شکل گیری نیروهای غلام در روزهای نخست سلطنت شاه عباس بسیار کم می باشند. در سال ۱۰۰۴ ق / ۱۵۹۵-۱۵۹۶ م مصادف با نهمین سال سلطنت شاه عباس اول، الله وردی خان به عنوان والی شیراز منصوب گردید.^۴ به طور واضح نوشته شده است که هدف از این انتصاب گرفتن مالیات از حقوق غلامان جهت عایدات فارس بوده است که بیش از ۳۰ هزار تومان در سال بوده است. منصب داروغه فارس (که در اینجا همان شیراز می باشد) در همان سال به یک غلام یعنی دیو سهراب تخماق خانی داده شد (AT سوم اف. ۹۴ آ).^۵ شاه عباس اول در سال ۱۰۰۵ ق / ۱۵۹۶-۱۵۹۷ م الله وردی خان را به عنوان والی

۱. میرزا بیگ بنیان تشکیل نیروهای غلام را در خلال رویدادهای صورت گرفته در سال ۱۵۹۰/۹۹۸ بیان می دارد: لالا اسماعیل اف. ۳۴۶، ۳۷۱ بی؛ موزه بریتانیا، MS یا ۳۳۸۸، اف. ۲۹۲ بی؛ روهربورن، ۱۹۹۶، صفحه ۳۲. شباهت های بسیار دقیقی بین توصیفات میرزا بیگ و فضلای وجود دارد، اما اسکندر بیگ در این زمینه سکوت نموده است.

۲. بنا به گفته فضلای، یک روز شاه عباس اول تلاش نمود تا ذولقدرها را دو سال قبل از این حق امتیاز محروم نماید. در آن هنگام، به دلیل تلاش های تأثیر گذار فرهاد خان قرمانلو در آن زمان، به بنیاد اجازه داده شد تا حاکم آن ایالت گردد (AT سوم اف. ۴۵ آ).

۳. وجود این گروه کاملاً برای ما ناشناخته می باشد. این اطلاعات را می توان به این واقعیت نسبت داد که عموی نویسنده، میرزا بیگ کشوراوغلو و پسرعمویش معصوم بیگ، وزیران محمدی خان بودند (AT سوم اف. اف. ۹۸، آ، ۲۸۵ آ).

۴. اسکندر بیگ نیز به این رویداد در همان سال اشاره نموده است، اما بنا به گفته ی جلال الدین، وی در سال (۱۰۰۳ ق / ۱۵۹۴-۹۵ م) به این مقام منصوب گردید. سال ۱۰۰۴ در ششم سپتامبر ۱۵۹۵ آغاز گردید. بنابراین انتصاب وی در بهار یا تابستان ۱۵۹۵، یعنی نهمین سال سلطنت شاه عباس (یعنی سال ۱۰۰۳ ق) اتفاق افتاده است. اسکندر منشی ۱۹۷۱/۱۳۵۰، صفحه ۵۱۵، جلال الدین منجم ۱۹۸۷/۱۳۶۶ (پس از TAA)؛ کتابخانه بریتانیا، MS، یا ۶۲۶۳ (پس از TA) صفحه ۱۴۰، اف ۱۱۱ آ.

۵. جلال الدین منجم اطلاعات بسیار زیادی را به همراه جزئیات فراوان درباره حاکمیت الله وردی خان بر فارس بیان نموده است که به احتمال زیاد از گزارشات کسب شده از این ولایت بدست آورده است. اگرچه توصیفات فضلای شامل گزارشات دست اول و از منابع محلی می باشد، اما بیانات وی از



کهگیلویه منصوب کرد و پس از سال جدید در سال ۱۰۰۶ ق به وی عنوان خان را اعطا نمود (AT سوم اف اف. ۹۹ بی، ۱۰۸ بی)^۱

پس از اینکه شاه به الله وردی خان دستور داد تا شورش امیران افشاری را در کهگیلویه سرکوب کند، فضلی برای اولین بار علاوه بر قوللر آغاسی و والی فارس و کهگیلویه، به الله وردی عنوان تواجی باشی (ارشد فرماندهان) را اطلاق نمود (AT سوم اف اف. ۹۹ بی، و دوباره اف اف. ۹۹ ۱۰۸ بی، ۱۵۹ آ، ۲۱ بی). این عنوان در هیچ منبع دیگری ذکر نشده است و به همین دلیل تأیید دقیق وجود آن مشکل می‌باشد. کمی بعد فضلی، تصدی این پست را به امام قلی خان نصب داد و بیان داشت که مناصب امیر دیوان و تواجی باشی به والی فارس و لار واگذار گردید (AT سوم اف. ۳۱۵ بی). به هر روی، نسبت دادن این عناوین این واقعیت را نشان می‌دهد که الله وردی حاکم یکی از ثروتمندترین ایالات گردید و به عنوان یکی از تأثیرگذارترین افراد خاندان خویش شناخته می‌شود^۲. بعد از یک جنگ موفقیت آمیز توسط وزیر الله وردی خان، ابوالقاسم بیگ تبریزی، شبانکاره بعنوان تیول به الله وردی خان داده شد (AT سوم اف. ۱۰۰ آ).

همانند دیگر نویسندگان، فضلی نیز استعدادهای خارق العاده الله وردی خان به عنوان یک فرمانده نظامی را با جزئیات دقیق به تصویر کشیده است. وی نقش بسزایی در پیروزی‌های نظامی پیاپی بر ازبک‌ها و عثمانی ایفا نموده است. پس از نبردی که در سال ۱۰۰۷ ق/۱۵۹۸ م به وقوع پیوست، الله وردی خان دستور داد تا قوی‌ترین امیر آن زمان یعنی فرهاد خان قهرمانلو را اعدام کنند (AT سوم اف. ۱۱۸ بی؛ TAA صفحه ۵۷۵؛ TA صفحه ۱۸۴). شهرت الله وردی بخاطر نقش بسزای وی در پیروزی بر ازبک‌ها در سال ۱۰۱۱ ق/۱۶۰۳-۱۶۰۲ م صد چندان گردید. بنا به گفته فضلی، وی "جوانمردی و نجابت خود را به گونه ای نشان داد که نمی‌توان آن را با رشته تحریر در آورد. [...] روزانه هزار من برنج تبریز به هزینه خودش مصرف می‌گردید" (AT سوم اف. ۱۴۷ آ). برای پاداش، شاه عباس اول به الله وردی خان این اجازه را داد تا "وی بتواند تصرفات سرزمینی (وجوهات) را از زمین‌های اشغال شده از ازبکستان و آذربایجان بدون گزارش دادن به شاه به عنوان تیول خود عهده دار گردد" (AT سوم اف. ۱۴۷ بی). در همین زمان بود که پسر و جانشینش، امام قلی به عنوان حاکم ولایت ثروتمند لار منصوب گردید و بحرین نیز به عنوان تیول به وی اعطا گردید (AT سوم اف. ۱۶۸ بی، ۱۸۱ بی؛ TAA صفحه ۶۸۳؛ TA صفحه ۲۸۱).

همچنین فضلی فعالیت‌های حکومتی الله وردی را در مقام قوللر آغاسی نیز توصیف نموده است. تصمیمی گرفته شد مبنی بر اینکه الله قلی بیگ قورچی باشی قاجار و الله وردی سلطان قوللر آغاسی باید به همراهی منشی‌ها و کاتبان بنشینند و

اطلاعات ارائه شده توسط جلال الدین منجم بیشتر و با اهمیت تر نمی‌باشد. در زمان حاکمیت الله وردی خان، پدر وی مدتی وزیر کهگیلویه و عموی وی، اسد بیگ وزیر شیراز بوده است (AT سوم اف. ۱۴۲ آ).

۱. سال جدید در روز جمعه دوم شعبان سال ۱۰۰۵ ق مصادف با ۲۱ مارس ۱۵۹۷ م بوده است.
 ۲. این بیانات بر نظر ما در این باره که "چه کسی با نفوذترین و قدرتمندترین امیر در ایران در دوران صفویه بوده است"، مؤثر می‌باشد. به مباحث بیان شده توسط وفلور ۲۰۰۱، صفحه ۱۸ مراجعه فرمائید. برای آگاهی از ساختار حکومتی عصر صفویه صرفاً از طریق پرداختن به تحولات سیاسی، مشکلات عدیده و مشخصی را پیش روی ما قرار می‌دهد.

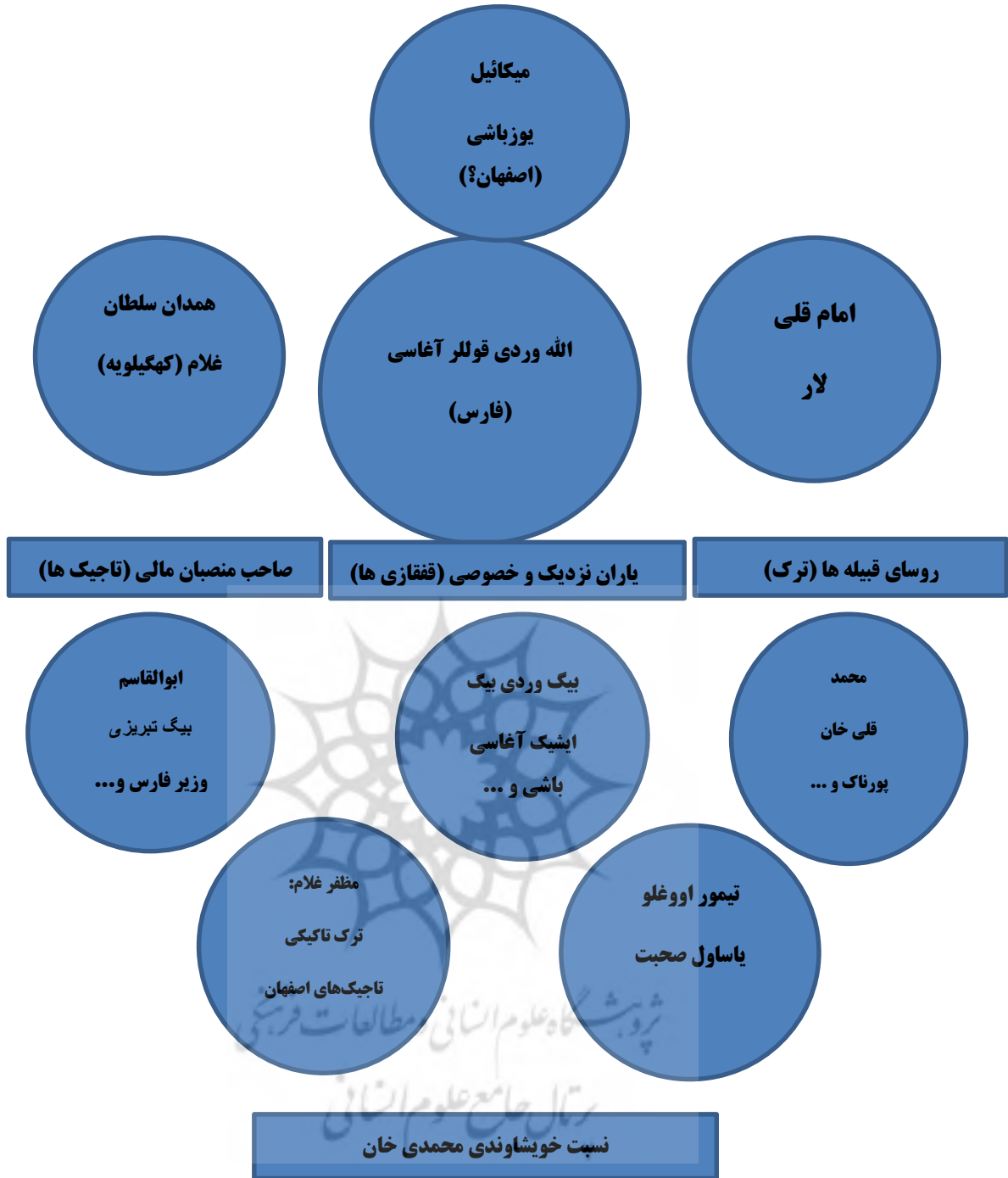


سپاهیان را بازنگری نموده و مورد بررسی قرار دهند (AT سوم اف اف. ۵۹ بی، ۶۱ بی، ۱۷۳ آ). به آن‌ها دستور داده شده بود تا مدارک هر قورچی و غلام را مهر و موم نمایند. (AT سوم اف. ۹۶ بی). این طور به نظر می‌رسید که هنوز هم تعالیم یاد گرفته از منصب قبلی خود را به خاطر دارد. وقتی که مدیریت ضراب خانه به خواجه نظر علی اردبیلی سپرده شد، وی آن را در زمان سلطنت شاه محمد خدابنده به کمک نمایندگان الله وردی خان که در آن زمان منصب معیر الممالک را داشت، بازسازی و احیا نمود (AT سوم اف. ۲۲۲ آ- بی). الله وردی خان در سال ۱۰۲۲ ق/ ۱۶۱۳ م از دنیا رفت. اگرچه جزئیاتی کمی درباره‌ی مرگش وجود دارد، اما فضلی به طور دقیق وضعیت سیاسی آن زمان را بیان نموده است. بسیاری از نهادهای تأثیر گذار قدرت خود را از دست داده‌اند و شاه عباس لشکرکشی انتقامی و شدید خود را به سوی دو پادشاهی در گرجستان شرقی آغاز کرده بود. مرگ الله وردی خان را می‌توان پایان فاز اول سلطنت شاه عباس اول دانست، زمانی که وی توانست موفقیت چشمگیری را در بازپس گیری سرزمین‌ها و احیای سازمان‌ها به دست آورد (AT سوم اف. ۳۱۵ بی).^۱

۴. پاسداران الله وردی خان

بسیاری از مقامات حکومتی که از طایفه‌های مختلفی نیز بوده‌اند، به نوعی به الله وردی خان هنگامی که وی قولر آغاسی و یا حاکم فارس بوده است، خدمت کرده و وی را در رویدادهای نظامی و غیر نظامی یاری نموده‌اند. از طریق توصیفات فضلی، می‌توان به اقدامات صورت گرفته توسط همکاران و اطرافیان وی پی برد. در فتح لار، اسامی زیر را در زیر پرچم جنگ به عنوان ملازمان وی می‌یابیم: وارث قانونی وی امام قلی خان، بیگ وردی بیگ ایشیک آغاسی باشی، همدان سلطان غلام فرماندار (حاکم) کهگیلویه، قنبرسلطان زنگنه والی دشتستان، محمد قلی خان پورنک حاکم داربگرد، اسکندر سلطان سیاه منصور والی مینا و منسوجین، اروج سلطان (?)، علی خان خلیفه آ، پارسادان آ، میر کمال بارانگر (AT سوم اف. ۱۳۹ آ)، میکائیل بیگ، عضو نیروهای غلام و تیمور بیگ اوغلو که به اسامی آن‌ها در زیر اشاره شده است؛ این اشخاص را می‌توان "پاسداران دائمی" الله وردی خان دانست که همواره همراه وی بوده‌اند.

۱. ه. مایدا، "شاه عباس اول دستور اجباری نمودن سیاست مهاجرتی و بازسازی ساختار و احکام دادگاه‌ها را صادر نمود"، مشروح همایش زمستان در پژوهشکده اسلاویچ، ۲۰۰۴.
۲. فیگوروا، ۱۳۶۳ ق/ ۱۹۸۴ م، در صفحات ۶۸ و ۱۲۸ اسامی برخی از آن‌ها را بیان می‌کند. علی بیگ که یکی از ملازمان با سابقه الله وردی خان می‌باشد؛ وقتی که سفیر اسپانیا از فارس دیدن می‌نماید، علی بیگ در منصب جانشین امام قلی خان بوده است. این طور بیان شده است که وی در آن زمان ۷۰ ساله بوده و «تاتاری از اهالی چرکسی» بوده است. در این زمان، بیگ وردی و اورج از دنیا رفته‌اند، پس علی بیگ می‌تواند همان علی خان خلیه باشد.
۳. این نام بسیار جالب همچنین به پارسادان گرگی جانپدزه که در آن زمان داروغه اصفهان بود، نیز اطلاق می‌گردد. 'فارسیدان بیگ': ولی قلی شاملو، قصص الخاقانی، کتابخانه ملی فرانسه، MS. افراد همراه ۲۲۷، اف ۲۳۴ آ. برای اطلاعات بیشتر درباره زندگی و نقش این فرد مهم در روابط بین گرجیان و صفویان در نیمه دوم قرن هفدهم، مراجعه کنید به مقاله ه. مایدا، با عنوان "تبعید پارسادان گرگی جانپدزه به شوشتر، برگرفته از قسمتی از زندگی نامه یک مقام گرجی که در حکومت صفویه خدمت می‌نموده است"، مسیحیت در قفقاز ۲، ویرایش، تی. مگالوب لیش ویلی، لندن.



شکل ۱: موازنه ساختار قدرت الله وردی خان

۵. میکائیل بیگ

حتی از وجود میکائیل بیگ هیچ اطلاعی در دست نبود تا اینکه نسخه سوم افضل التواریخ به تازگی کشف گردید. فضلی برای نخستین بار زمان انتصاب الله وردی به مقام قوللر آغاسی به حضور میکائیل بیگ اشاره کرده است. " پسر عمومی وی



یعنی میکائیل بیگ به مقام یوزباشی (رئیس یک گروه صد نفره) رسید و صد مرد جنگی (یوز) الله وردی سلطان به وی واگذار شدند" (AT سوم اف. ۴۷ بی).

در بحبوحه رویدادهای رخ داده در سال ۱۰۰۶ ق/ ۹۸-۱۵۹۷ م نام میکائیل بیگ را در جریان جنگ‌های صورت گرفته علیه جهانگیر خان در کجور و همچنین جنگ با شاهوردی خان در لرستان برده شده است. میکائیل بیگ در ابتداء عنوان چارچی باشی برای دستگیری شاهوردی خان به لرستان فرستاده شد. شاهوردی خان در یک جنگل مخفی گردید و شاه عباس به همراهی الله وردی خان و دیگر لشکریان عازم لرستان شدند. در همان سال نیز سپاهیان صفوی به فرماندهی الله قلی بیگ قاجار قورچی باشی به شهر کجور لشکرکشی نمود و میکائیل بیگ در این نبرد هم حضور داشت. بنا به گفته اسکندر بیگ، شاه عباس در راه بازگشت از لرستان، از خبر دستگیری جهانگیر مطلع گردید. بنابراین، به نظر می‌رسد که پس از گریز شاهوردی، به میکائیل بیگ دستور داده شده بود تا به قورچی باشی در شهر کجور ملحق گردد. نکته جالب توجه این است که قنبر بیگ صلاح دار باشی استاجلو در جنگ لرستان با قورچی هابی از استاجلو وارد نبرد شد. پس به احتمال زیاد میکائیل بیگ در این جنگ تحت فرماندهی قورچی باشی، سرپرستی تعدادی از غلامان را بر عهده داشته است (AT سوم اف. ۱۰۵-۱۰۹ بی؛ TAA، صفحه ۵۳۵-۵۴۱، TA صفحه ۱۵۹).

در سال ۱۰۰۹ ق/ ۰۱-۱۶۰۰ م، به میکائیل بیگ دستور داده شد تا پس از دستگیری نور محمد خان، والی ازبک تبار سابق مرو وی را به فارس منتقل نماید (AT سوم اف. ۱۳۲ آ؛ TA صفحه ۲۰۵). برای آخرین بار فضلی در خلال حوادث رخ داده در پاییز ۱۰۱۴ ق/ ۱۶۰۵ م به میکائیل بیگ اشاره نموده است، وقتی که وی در نبردی علیه سپاه عثمانی به فرماندهی جلال اوغلو شرکت کرده بود. اگرچه از میکائیل بیگ بیشتر به عنوان طلایه داری در میان مردان جوانی شایسته نام برده شده است (AT سوم اف. ۱۹۰ آ)، با این حال اطلاعات بیشتری از وی در دسترس نمی‌باشد.

نقش میکائیل را می‌توان بیشتر شبیه چیزی هم تراز با نماینده الله وردی خان در نیروهای غلام و دربار مرکزی برشمرد. این نقش تا حدودی شبیه وظیفه و نقش قبلی امام قلی خان بوده است. الله وردی خان حاکم فارس بوده و برادر کوچک تر وی، داوود بیگ به عنوان یک قورچی رهبری غلامان را برعهده داشته است.^۱ مدارک و شواهد موجود درباره‌ی انتصاب میکائیل بیگ به عنوان یک قورچی درست پس از انتصاب پسر عمویش، الله وردی خان به عنوان اولین قوللر آغاسی واقعی در سلسله صفوی، نشان دهنده‌ی مشارکت خانوادگی غلامان در مناصب حکومتی ولایتی در سلسله صفویه در اولایل تأسیس این سلسله می‌باشد.

۱. AT سوم اف. ۳۸۷ بی، ۴۳۴ بی؛ فیگواروا، ۱۳۶۳/۱۹۸۴، صفحه ۲۶۰. پسر فارچاقای یعنی منوچهر نیز یک قورچی (فرمانده صد نفر) بود، AT سوم اف. ۴۱۷ بی. ملک شاه حسین ابن ملک قیاس الدین محمد بن شاه محمود سیستانی، احیا الملوک ۱۳۶۶/۱۹۸۷، صفحات ۴۳-۴۴۲.

۶. بیگ وردی بیگ

اسکندر بیگ چندین بار به بیگ وردی بیگ گرجی (گرجستانی) که به الله وردی خان و امام قلی خان خدمت کرده بود، اشاره نموده است^۱ وقایع نامه‌های فضل‌ی و جلال‌الدین منجم شامل اطلاعات بسیار زیادی درباره‌ی فعالیت‌های وی می‌باشد. هر دوی آن‌ها در ابتدا به حضور وی در فتح لار در سال ۱۰۱۰ ق ۱۶۰۲-۱۶۰۱ م اشاره می‌کنند. بیگ وردی بیگ، ایشیک آغاسی باشی^۲ الله وردی خان، فرماندهی محاصره قلعه را بر عهده داشت (AT سوم اف اف. ۱۳۹، آ، ۱۴۱ بی؛ TA صفحه ۲۱۴).

بیگ وردی بیگ که از همراهان نزدیک الله وردی خان بوده و رابطه بسیار صمیمی با وی داشت، در لشکرکشی وی به بغداد و آذربایجان او را همراهی نموده است (AT سوم اف اف. ۱۵۹ بی، ۱۸۲ آ؛ TA صفحه ۲۴۷، ۳۰۰). هنگامی که به الله وردی خان اجازه داد شد تا از آذربایجان به شیراز مراجعت کند، بیگ وردی بیگ به دستور شاه به همراه ۴۰۰ نفر از ملازمان الله وردی خان در آنجا ماند (TA صفحه ۳۰۰). همانند ارباب خویش، بیگ وردی بیگ نیز در میدان نبرد فرمانده ای توانا بود. به گفته جلال‌الدین، بیگ وردی در محاصره قلعه (دوم دوم) ^۳ (Dumdom) نقش موثری داشته و همزمان وی سر ۱۷۰ نفر از افراد دشمن را از بدن جدا کردند (TA صفحات ۴۰۵-۴۰۸).

بیگ وردی نه تنها در مسائل نظامی به الله وردی خان کمک می‌کرد، بلکه در مسائل حکومتی و اداره فارس نیز وی را یاری می‌نمود. فضل‌ی بیان داشته است که بیگ وردی به همراه وزیر و مستوفی به فارس فرستاده شدند تا مالیات جمع آوری شده را به کاخ وی بیاورند (AT سوم اف اف. ۱۶۱-آ بی). وی به نمایندگی از ارباب خویش شورش ایجاد شده در لار را سرکوب نمود (TA صفحه ۲۴۲). درست پس از مرگ الله وردی خان، شاه به امام قلی خان، پسر و جانشین خود دستور داد تا " بیگ وردی بیگ را به همراه سه هزار سوارکار جنگجو به نبرد با گرجستان بفرستد". فضل‌ی بیگ، وردی را با عنوان " ایشیک آغاسی باشی و وکیل معرفی می‌نماید، یعنی فردی که اداره امور مهم حکومتی فارس بر عهده وی می‌باشد^۴ (TAA صفحه ۸۷۶). به عنوان ایشیک آغاسی باشی و همچنین از نژاد یکسان قفقازی بودن باعث شد تا بیگ وردی بیگ نقش بسیار مهمی را در همکاران و یاران نزدیک الله وردی و امام قلی ایفا نماید.

در سال ۱۰۲۵ ق/ ۱۶۱۶ م، بیگ وردی بیگ به جنگ با عثمانی‌ها رفت. بنا به گفته فضل‌ی، بیگ وردی بیگ و همکارش، تیمور بیگ در هنگام خدمت به الله وردی خان با هم تنش و اختلافاتی داشتند. تیمور بیگ پس از مرگ الله وردی خان همچنان به خدمت خود به شاه ادامه داد و در آن زمان به سازمان سپاهیان (نظمیه لشکر) به وی سپرده شد. تیمور بیگ که از برتری و ارجحیت دشمن آگاه بود، به همکار و رفیق سابق خود گفت " اکنون زمان آن است تا شهامت و جوانمردی خود

۱. TAA صفحات ۸۷۶، ۹۰۷، ۹۸۰.

۲. ناشناس، ۱۹۴۳ صفحه ۴۷

۳. دووم دووم: این قلعه در ۱۸ کیلومتری جنوب غربی اورمیه قرار دارد. مترجم

۴. بیگ وردی به دستور شاه به عنوان فرمانده به اوستیا لشکرکشی نمود (AT سوم اف اف. ۳۱۶-آ TAA صفحه ۸۷۶). اسکندربیگ همچنین بیان داشته است که بیگ وردی به عنوان وکیل وی به امور او رسیدگی می‌نموده است



را نشان دهی". بیگ وردی سریعاً از حيله و نیرنگ وی آگاه گردید. اگرچه گنجعلی خان یک پیامرسان فرستاد و تلاش کرد تا وی را متقاعد کند تا عقب نشینی نماید، اما بیگ وردی نظر وی را نپذیرفت و در نهایت به همراه رفیق و هم‌رمز خود اروج سلطان در آن جنگ کشته شد.

فضلی، مقام و فضیلت بیگ وردی بیگ را بسیار مورد تحسین قرار داده است. " شهرت الله وردی خان از رفتار و کردار خوب، استعداد نظامی و بزرگ منشی، بخشندگی و آگاهی عمل هم‌رمز وی (بیگ وردی) نشئت گرفته است". عظمت و شان والای وی تمامی افراد سرشناس و مهم این خاندان بزرگ و همه مردم ایران را ماتم زده کرد و همگی شجاعت وی و اروج سلطان را ستایش می‌کردند. علی قلی بیگ، امام قلی بیگ و دیگر پسران وی به خوبی مورد احترام قرار گرفتند و به آن‌ها مدال افتخار اعطا گردید. علی قلی بیگ پس از فقط چند سال به منصب غلامی شاه رسید. امام قلی بیگ به همراه پسران جوان خود به خدمت در رکاب ارباب خود (ولی نعمت خود) ادامه داد. (AT سوم اف اف. ۳۶۵-آ بی).

لازم به ذکر است که اربابان بیگ وردی و پسرش یعنی امام قلی بیگ، الله وردی خان و امام قلی خان بودند. به همین دلیل، آن‌ها (حدافل توسط مورخین) به عنوان همراهان و پاسداران شخصی این خاندان در نظر گرفته شده‌اند. علی قلی بیگ نیز از سال ۱۰۲۷ ق/ ۱۸-۱۶۱۷ م در دربار شاه مشغول به خدمتگزاری گردید (AT سوم اف اف. ۴۳۲). امام قلی بیگ که جانشین پدرش شده و به منصب ایشیک اغاسی باشی امام قلی خان رسیده بود، فرمانده سپاه ارباب خود شده بود و در سال ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۱-۱۶۲۰ م نقش مهمی را در فتح هرمز به کمک انگلیسی‌ها ایفا نمود. (AT سوم اف اف. ۴۴۵ بی - ۴۴۶ بی)

۷. تیمور بیگ

الله وردی خان، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین امیران زمان خود و حاکم چندین ولایت، با بسیاری از قزلباش‌ها رابطه خوبی داشته است. با این حال، رابطه با تیمور بیگ را می‌توان بسیار متفاوت تر از سایر رؤسای قبیله‌ها در نظر گرفت. در ابتدا نام وی را در میان ملازمان محمدی خان توخماق استاجلو یافتیم (AT سوم اف اف. ۵۷). همانطور که قبلاً نیز بیان گردید، الله وردی خان رابطه نزدیکی با غلامان محمدی خان داشته است. همین روابط ممکن است به تیمور بیگ کمک کرده باشد تا در رکاب الله وردی خان خدمتگزاری نماید. الله وردی خان همواره تلاش کرده است تا رابطه نزدیکی با تیمور بیگ داشته باشد. فضلی رخداده عجبیبی را بیان نموده است. در یک نبرد تعیین کننده بین سپاهیان صفوی و سربازان ازبک در سال ۱۰۰۷ ق/ ۱۵۹۸ م تیمور بیگ با دستگیری صورت میرزا، خواهر زاده تعلیم خان، خودش را به اثبات رساند. به عنوان پاداش، شاه می‌خواست که وی را به جمع ملازمان خود در آورد، اما الله وردی خان اصرار نمود که " این لطف بسیار بزرگی است از جانب شاه که ایشان را به عنوان ملازم خویشان بپذیرد، چرا که ایشان از برادران ماست. [...] من از شاهشاه عاجزانه می‌خواهم تا ایشان را به من واگذار نمایند. من از وی مراقب می‌نمایم. در نتیجه، شاه وی را به عنوان یاساول صحبت

۱. اسکندر بیگ بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به مرگ الله وردی و فعالیت‌های پسران وی، مشارکت در فتح هرمز را به بیگ وردی نسبت داده است (TAA صفحه ۹۸۰).



(آجودان مخصوص) خان تأیید نمود. تیمور بیگ به خدمت الله وردی خان در آمد و در بسیاری از لشکرکشی‌ها من جمله خراسان، عراق عرب و آذربایجان، تا لحظه مرگ الله وردی خان در سال ۱۰۲۲ ق/ ۱۶۱۳ م مشارکت نمود. یک بار که شاه عباس پیشنهاد سپردن حکومت کهگیلویه به تیمور بیگ را داده بود، الله وردی خان آن را نپذیرفته بود. (AT سوم اف بی. ۱۱۷-بی)^۱

نمی‌توان به آسانی دلیل مخالفت الله وردی خان را حدس زد. اما، وظیفه و نسب وی این امکان را به ما می‌دهد تا بتوانیم جواب این سؤال را پیدا نماییم. وقتی که الله وردی خان در گذشت، تیمور ایل و وسایل خود را به مشهد آورد و پس از بازگشت از آنجا، به خدمت مستقیم شاه در آمد. بعد از مدت کمی، وی به منصب یاساول باشی صحبت شاه رسید.^۲ در تذکره الملوک آورده شده است که وظایف اصلی یاساول صحبت به وسیله ایشیک آغاسی اداره و اجرا می‌گردد. همه آن‌ها تحت نظارت و سرپرستی ایشیک آغاسی باشی قرار دارند که وظیفه اصلی وی تنظیم و ساماندهی جلسات و مجموعه‌های زیردستی می‌باشد.^۳ در این مورد، من اینگونه برداشت می‌کنم که تیمور بیگ در واقع ایشیک آغاسی باشی کل بوده، در حالی که بیگ وردی که ایشیک آغاسی باشی الله وردی خان بوده است، بیشتر فعالیت‌های داخلی را سر و سامان می‌داده است. تیمور کاملاً با رفتارهای درباری آشنایی داشته است. در اینجا لازم به یادآوری است که خاندان اوغلو از زمان پایان سلطنت شاه عباس اول تا آغاز سلطنت شاه عباس دوم، به طور وراثتی عهده دار منصب ایشیک آغاسی باشی حرم بوده‌اند.^۴ همان گونه که از نام آن یعنی "برادران کاخ" بر می‌آید، آن گروه به عنوان عضوی از پارآن نزدیک صفویان قلمداد می‌شدند؛ به طوری که نویسنده کتاب تاریخ قزلباشان می‌نویسد "آن‌ها) از پیروان سر سخت حکومت صفویه برخاستند و بیشتر آن‌ها در کارخانجات متعلق به ارباب مشغول به کار می‌باشند.^۵ بنا به گفته فضل‌ی، تیمور بیگ چهار ماه قبل از مرگ شاه عباس از دنیا رفت (AT سوم اف بی. ۱۱۷-بی).

۸. ابوالقاسم بیگ و مظفر بیگ

ارزیابی اقدامات صورت گرفته توسط افراد و عناصر ایرانی در دوران پیش مدرن، کار دشواری می‌باشد. رویمر در این زمینه خاطر نشان می‌سازد که تفاسیر و بیانات قدیمی و سنتی که بیشتر بر تفاوت فاحش بین مردم ایران و ترکیه تأکید داشته‌اند، قادر به روشن سازی و توصیف دقیق این وضعیت نمی‌باشد.^۶ در این زمینه چندین مثال سراغ داریم: نجم ثانی در زمان

۱. این نقل قول چندین بار مورد بررسی قرار گرفته است. برای مشاهده ارزیابی‌های صورت گرفته درباره این متن به ملویل، ۲۰۰۳ صفحه ۷۰ مراجعه نمایید.
 ۲. AT- سوم اف بی. ۳۱۵-بی، فضل‌ی مجدداً وی را به عنوان یاساول باشی صحبت شاه معرفی می‌نماید، اگرچه اسکندر بیگ وی را یاساول صحبت معرفی می‌نماید AT. اف. ۴۷۰ بی، TAA صفحات ۹۰۸، ۹۵۳.
 ۳. تذکره الملوک، صفحه ۴۷، ۶۴.
 ۴. محمد یوسف واله قزوینی اصفهانی، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم: خلدبرین، ۲۰۰۱/۱۳۸۰، صفحات، ۲۵۰، ۳۲۹، ۴۰۱-۴۰۳.
 ۵. تاریخ قزلباش‌ها ۱۳۶۱، صفحه ۴۰.
 ۶. رومر، ۱۹۸۶، صفحه ۲۲۹.



سلطنت شاه اسماعیل و میرزا سلمان جابری انصاری در زمان سلطنت محمد خدا بنده نقش‌های نظامی مهمی را ایفا کرده‌اند، اگرچه با مخالفت‌های شدیدی از جانب امیران قزلباش مواجه شده‌اند.

به گفته‌ی فضلی، ابوالقاسم بیگ تبریزی که وزیر فارس بود، از اوایل حاکم شدن الله وردی خان بر فارس به عنوان مباشر اصلی این ولایت فعالیت می‌نمود. او با صفاتی مانند "شجاعت، توانایی، خونگرمی و غیرت توصیف شده است که هیچ فرد تاجیک دیگری در ایران این گونه توصیف نشده است و همانند وی وجود ندارد". ابوالقاسم بیگ فرماندهی سپاه علیه شورشیان افشار را در کهگیلویه برعهده داشت و سه هزار تومان را به عنوان پاداش دریافت نمود (الله وردی خان بیست هزار تومان دریافت نمود). سپس، ابوالقاسم بیگ برای تسلیم نمودن ایل بختیاری به نبرد با آن‌ها پرداخت و از این پیکار نیز سربلند بیرون آمد. شاه به الله وردی خان و ابوالقاسم بیگ مدال افتخار اعطا نمود. اما، بخشندگی ابوالقاسم بیگ او را به دردمس انداخت و منجر شد تا از لطف، الله وردی خان محروم شده و از چشم وی بیفتد. وزیر اعظم نیز هیچ کمکی در حق وی نکرد و سرانجام شاه عباس نظر خود را تغییر داد و ابوالقاسم بیگ کشته شد. (AT سوم اف اف. ۹۹ بی - ۱۰۰ بی).^۱ (در این زمینه، توصیفات بیان شده درباره زندگی و فعالیت‌های مظفر بیگ، فرزند میرزا بیگ کشوراووغلو بسیار حائز اهمیت می‌باشد. وی خواهر زاده (پسر خواهر) میرزا هدایت نجم تهانی (نوه نجم تهانی) و پسر عموی نویسنده (میرزا بیگ برادر پدر فضلی) می‌باشد. بنا به گفته فضلی، مظفر بیگ به عضویت غلامان خواجه شریفه درآمد بود و در رکاب الله وردی خدمتگزاری می‌نمود. هنگامی که مظفر برای مذاکره و گفتگو با ابراهیم خان وارد شهر لار گردید، فضلی وی را "جوانی ترک از نسل و تبار تاجکی (جوان ترک - تاجیکی) معرفی نمود" (AT سوم اف. ۱۳۹ آ) فضلی در توصیف شجاعت و شهامت وی مطالب بسیاری نوشته است.

در جریان حمله الله وردی خان به قبیله کُردهای کلهر در سال ۱۰۱۲ ق / ۰۴ - ۱۶۰۳ م که در آن مظفر بیگ رشادت‌های زیادی را در فتح قلعه زنجیر از خود نشان داده است. همچنین فضلی درباره وی نوشته است که "مظفر [...] که سرشار از شجاعت بود، قبل از مردان جوان دیگر به میدان رسید و دو کرد را از روی اسب‌هایشان به زمین افکند. در آن میدان اسب مظفر با تفنگ مورد اصابت قرار گرفت و وی به ناچار از روی آن پایین آمد". مظفر بیگ به سرعت به سمت اصطبل دشمن رفت و اسب سرحالی را بیرون آورد و بر روی آن سوار شد. "بعد از مشاهده چنین شجاعتی از یک پسر تاجیک اهل اصفهان (تاجیک زاده اصفهان)، کردها عقب نشینی کرده و به سمت قلعه گریختند. بیگ وردی، همدان سلطان و قاسم سلطان به وی ملحق شدند و به دشمن اجازه ندادند تا به دروازه نزدیک شوند و در نتیجه قلعه تسخیر شد. (AT سوم اف اف. ۱۶۰ بی-۱۶۱ آ، TAA صفحه ۶۵۰).

۱. در سال ۱۰۱۱ ق / ۰۴ - ۱۶۰۳ م، وزیر الله وردی خان، خواجه نظام بهبهانی بود (AT سوم اف اف. ۱۶۱ آ)
 ۲. حضور وی در حتی در توصیفات بیان شده توسط جلال الدین منجم نیز تأیید شده است. به گفته وی، الله وردی خان، مظفر را به همراه مسیحیان به لار فرستاد، چرا که آن‌ها والی لار به دزدی متهم کرده بودند. جلال الدین در جایی می‌نویسد که مظفر فرزند خواجه روح الله بوده است، اما در واقع وی نوه خواجه بوده است TA صفحه ۲۱۳.

یکی دیگر از پسرعموهای نویسنده، یعنی خواجه بیگ کشوراووغلو اصفهانی به فارس رفت تا الله وردی را ملاقات نموده و به وی اطلاع دهد تا برای جنگ با ازبک‌ها به خراسان برود. خواجه بیگ نیز به عضویت غلامان شاهی در آمده بود (AT سوم اف اف. ۱۴۲ بی-۱۴۳). دیگر پسر عموی وی، میرزا بیگ کشوراووغلو نیز به عنوان عضوی از غلامان بیان شده است (AT سوم اف اف. ۲۷۹ آ-۲۸۰ بی). با این وجود، غلامان شاهی فقط به خدمتگزاران شاه اطلاق می‌گردید و نمی‌توان به طور دقیق تأیید نمود که آیا آن‌ها در نیروهای غلام عضویت داشته‌اند یا خیر. البته باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از افراد ایرانی پس از اصلاحات صورت گرفته توسط شاه عباس اول، فعالیت نظامی خود را از مقام تفنگدار ساده آغاز کرده بودند.

اگرچه ممکن است فضلی در سخنان شیوای خود در مدح پسرعمویش اغراق نموده باشد، اما با این حال می‌توان اظهار نمود که مظفر بیگ از شخصیت و مقامی برجستگی و ممتاز برخوردار بوده است. اگر سخنان فضلی درست باشد، مظفر در واقع یکی از اعضای نیروهای غلام بوده است. همچنین می‌توانیم به گفته‌های فضلی درباره‌ی پدر مظفر بیگ به عنوان وزیر محمدی خان توخماق استاجلو اشاره نمائیم. بنابراین، وی به آسانی اختلافات اجتماعی بین ترک - تاجیک و غلام را نادیده می‌گرفت. بنا به گفته فضلی، مظفر در میدان نبرد در جلوی قلعه ای در وان (Van) به زمین افتاد (AT سوم اف اف. ۱۸۲ آ-بی). در همه رویدادهای رخ داده، تحت حاکمیت الله وردی خان در اقدامات نظامی و غیر نظامی، افراد مختلفی از نژادهای گوناگون نقش‌های تاثیرگذاری را با استفاده از روابط و سوابق شخصی و خانوادگی خود ایفا نموده‌اند.^۱

نتیجه‌گیری

در مطالب ارائه شده در بالا، به تفصیل به بررسی زندگی الله وردی خان و پارآن نزدیک وی پرداخته‌ایم. برای ارائه یک جمع بندی کلی درباره‌ی ویژگی‌های مهم وی، باید دو نکته اصلی را مد نظر قرار داد. نخست، اصل و نسب اجتماعی و تاریخیچه خانوادگی آن‌ها تأثیر شایانی بر منصب و شغل آن‌ها داشته است. برای مثال، به نظر می‌رسد که میکائیل بیگ نقش نماینده خویشاوندان خویش را در مرکز برعهده داشته است. بیگ وردی که اصالتاً یک گرجی بوده است، وظیفه انجام امور داخلی دربار ولی نعمت خویش را برعهده داشت و پسر وی نیز به عنوان یک خدمتگزار شخصی و ویژه ایفای نقش نمود. منصب و شغل تیمور بیگ به عنوان یساول می‌تواند گواهی بر اصل و نسب وی به عنوان یک اوغلو باشد. در نگاه اول، مظفر بیگ از دیگر ایرانیان کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد، اما باید روابط خانوادگی وی با محمدی خان توخماق را مد نظر قرار داد.^۲ نکته دوم که شاید با نکته اول در تناقض باشد این است که زندگی آن‌ها تنها و

۱. لازم به یادآوری است که ام. هاندا قبلاً به ابعاد نظامی خاندان فضلی اشاره نموده است، اگرچه وی به این نتیجه می‌رسد که آن‌ها بعد از اواسط قرن شانزدهم به صورت بروکراتیک (وابسته به اداری) درآمدند. هاندا، ۱۹۸۹، صفحات ۷۹-۸۰، ۸۹.

۲. توصیفات جامع فضلی درباره ملازمان سابق محمدی خان توخماق استاجلو ما را ملزم می‌سازد تا تنش‌های قومی-اجتماعی رایج در آن زمان بخصوص در دوران دگرگونی و تغییر را مورد بازنگری قرار دهیم. علاوه بر این، همکاری آن‌ها با سپاهیان و در مورد امور نظامی از زمان شاه اسماعیل اول همواره وجود داشته است.



صرفاً تحت تأثیر نژاد و نسب آن‌ها نبوده است. همون طور که در مورد شغل تیمور بیگ مثال زده شد، آن‌ها قابلیت پذیرش تغییر و دگرگونی، عضویت و خدمتگزاری به عنوان غلام و استخدام شدن به عنوان خدمتگزاران مستقیم شاه را داشتند. بعنوان مثال، علی قلی بیگ. بیگ وردی به عضویت غلامان شاه در آمد، در حالی که برادر وی جانشین پدرش در منصب مباشر اصلی حکومت ارباب قلی خویش گردید. اگرچه همه اقدامات و تصمیم گیری‌ها در آخر به تصمیم شخص شاه بستگی داشت، اما اختیارات و اثرگذاری آن‌ها آنچنان که ما می‌پنداریم محدود نبوده است. علاوه بر این، این طور به نظر می‌رسد که روابط آن‌ها بیشتر بر مبنای ضوابط شخصی و نه فقط بر مبنای قانون استوار بوده است. در این زمینه، غلام همیشه به معنای «برده» به عنوان یک جایگاه قانونی نیست، و می‌توان این موضوع را به عنوان یک انعطاف پذیری اجتماعی در نظر گرفت.

نکته اول ثبات و توازن قدرت را به ارمغان می‌آورد که به شکل گیری یک نظام دادرسی و درباری جدید کمک می‌نماید. از سوی دیگر، این موضوع یک امر سیستماتیک و ثابت نبوده، بلکه بر مبنای انعطاف پذیری و شرایط موجود استوار می‌باشد. یاران و حامیان الله وردی خان گروهی فراتر از افراد حامی و پشتیبان نمی‌باشند. این امر می‌تواند روشن سازد که چرا در هنگامی که حکومت و مسئولین مرکزی قدرت خود را افزایش می‌دهند، همبستگی و وحدت قومی بیشتر نمایان شده و خود را آشکار تر می‌سازد. دستکم در مورد این خاندان، یعنی پسران الله وردی خان، امام قلی و داوود، پیوند ها و نسب گرجی خود را حفظ نموده و حتی ترویج داده‌اند و عمیقاً درگیر مسائل گرجیان گردیدند که همین امر نیز باعث افول و انحطاط آن‌ها در اوایل سلطنت شاه صفی گردید.

جلد سوم افضل التواریخ که به تازگی پیدا شده است، بسیاری از جوانب پنهان این پیوندها و روابط را روشن می‌سازد که تاکنون در هیچ کدام از منابع فارسی مشاهده نشده بود. نتایج تحقیق کنونی، ابعاد جدیدی را درباره یاران و خاندان نخبه سلسله صفویه در قرن هفدهم نشان می‌دهد.

منابع

- افضل التواریخ، ام. اس. دی. دی. ۵. ۶. دانشکده کریست، کمبریج.
 تذکره الملوک، (۱۹۴۳). ویرایش/ترجمه، وی. مینورسکی، لندن.
 تاریخ قزلباشان، (۱۹۸۲/۱۳۶۱ م). ویرایش، میرهاشم محدث، تهران.
 اوایشویلی، ز، (۱۹۳۷). تیموراز (تهمورس) یکم و شعر وی شهید ملکه کتاوان، گرجیکا، ۵&۴، لندن، صفحات ۱۷-۴۲.

بابایی س.، و همکاران (۲۰۰۴). بردگان شاه: نخبگان جدید ایران در دوران صفویه، لندن: نیویورک.

ولی قلی شاملو، قصص الخاقانی، کتابخانه ملی فرانسه، ام. اس. ایران تکمیلی ۲۲۷.

فیگوروا، دون گارسیا دی سیلوا، (۱۹۸۴/۱۳۶۳ م). سفرنامه دون گارسیا دی سیلوا، ترجمه، غلامرضا سمیعی، تهران.

فلور، و. (۲۰۰۱). *نهادهای حکومتی عصر صفویه*، کاستا مئا.

قباشویلی، و. (۱۹۷۲) "Undilaant peodaluri sakhi 16-17ss. Iranshi", Makhlobeli Aghmosavlet is istoriis sakit khebi, صفحات ۶۴-۸۴، ترجمه به انگلیسی، "خانه فئودالی آندیلاادزه در قرن ششم تا هفتم در ایران، بر طبق منابع گرجی"، مطالعات ایران، ۴۰/جلد اول، ۲۰۰۷، صفحات ۳۷-۵۸.

هاندا، م. (۱۹۸۹). *la famille Khuzani de'Isfahan, 15-17 siecles*. مطالعات ایران، ۱۸-۱، صفحات ۷۷-۹۲.

هاتاوی، ج. (۱۹۹۷). *سیاست‌های یاران نزدیک و خاندان مختلف در امپراطوری عثمانی: ظهور قزاق‌ها*، کمبریج.

ترکمان، اسکندر بیک منشی (۱۳۵۰/۷۲-۱۹۷۱). *تاریخ عالم آرای عباسی*، ویرایش ایرج افشار، دو جلد، تهران.

منجم، جلال‌الدین (۱۳۶۶/۸۸-۱۹۸۷). *تاریخ عباسی*، سیف‌الله وحیدنیا، تهران.

مایدا، هیروتاکه (۱۹۹۸). *تغییر سیستم سیاسی در دوران صفویه: نقش تاریخی غلامان*، "Shigaku=Zasshi"، ۱۰۷-۱۱۲، صفحات ۱-۳۸ (به ژاپنی).

_____ (۲۰۰۱). *حمزه میرزا و عناصر قفقازی در دربار صفوی*، اوریاتالیستی، جلد اول، تفلیس، صفحات ۱۵۵-۱۷۱.

_____، (۲۰۰۳). *چهار دودمان گرجی در دوره صفویه*، مطالعات ایران، ۳۲، صفحات ۲۴۳-۲۷۸.

_____ (۲۰۰۴). *فرهنگ سیاسی سلسله صفوی منعکس شده در جلد سوم افضل التواریخ: یک تحقیق*

مقدماتی"، ژورنال مطالعات آسیا و آفریقا، ۶۸، صفحات ۱۹۳-۲۱۳ (به زبان ژاپنی و چکیده انگلیسی).

<http://www.aa.tufs.ac.jp/book/journal/journal68.pdf>

_____ (۲۰۰۶). *مهاجرت اجباری و بازسازی و تغییر ساختار منطقه ای قفقاز در ایران در دوران صفویان: پیش*

شرط‌ها و تحولات توصیف شده توسط فضل‌ی خوزانی، بازسازی ساختار و روابط اسلاویچ اروآسیا و جهان پیرامون آن، ویرایش او. ایدا و همکاران، ساپورو.

_____ (در حال چاپ). *بهره‌گیری از صف اول لشکر (مرزنشین‌ها): سیاست شاه عباس اول در قبال قفقازی‌ها*، ارائه شده در کنفرانس ایران و جهان در عصر صفویه،

_____ (در حال چاپ). *تبعید پارسادان گرگی جانیدزه به شوشتر، برگرفته از قسمتی از زندگی نامه یک مقام گرجی که در حکومت صفویه خدمت می‌نموده است.*

ملک شاه حسین بن ملک قیاس‌الدین محمد بن شاه محمود سیستانی (۱۳۶۶). *احیاء الملوک*، ویرایش منوچهر ستوده، تهران.

ملویل، ج. (۱۹۹۸). *منشأ و سرچشمه‌ای گمشده در سلطنت شاه عباس: افضل التواریخ نوشته فضل‌ی خوزانی اصفهانی*، مطالعات ایران، ۳۱-۲، صفحات ۲۶۳-۲۶۵.

_____ (۲۰۰۳). نور و منبعی جدید درباره سلطنت شاه عباس: جلد سوم افضل التواریخ، جامعه و فرهنگ در اوایل دوران خاورمیانه نوین. مطالعات ایران در عصر صفوی، آندره ج. نیومن (ویرایش)، لیدن-بوستون، صفحات ۶۳-۹۶.

محمد یوسف واله قزوینی اصفهانی (۲۰۰۱/۱۳۸۰). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم؛ خلدبرین، ویرایش محمد رضا نصیری، تهران.

قاضی احمد قمی، (۱۳۵۹-۶۳/۱۳۸۰-۸۵-۱۹۸۰). خلاصه التواریخ، ویرایش احسان اشراقی، دو جلد، تهران. رویمر، هانس، ر.، (۱۹۸۶). عصر صفویه، تاریخ کمبریج درباره ایران، جلد چهارم، پیتر جکسون و لورنس لوکهارث (ویرایش کنندگان)، کمبریج.

روتا، گ. (۲۰۰۰). قفقازی‌های تحت خدمت صفویان در قرن هفدهم، سرزمین قفقاز میان امپراطوری عثمانی و ایران، ۱۵۵۵-۱۹۱۴، راثول مونتیکا و مایکل اورسینوس (ویرایش کنندگان)، ویزبادن، صفحات ۱۰۷-۱۲۰.

روهربورن، ک. م.، (۱۹۹۶). Provinzen and Zentralgewalt Persiens im 16 und 17 Jahrhundert, Berlin. سیوری، ر. م.، "الله وردی خان"، دانشنامه ایرانیکا، جلد اول، احسان یارشاطر (سر ویراستار)، لندن، بوستون و هلنی، صفحه ۹۸۱.

